

تعاریف واژه‌ها در حقوق بین الملل

پروفسور مکنر فرانسوی در تعریف معاهده می گوید: معاهده عبارت است از یک توافق کتبی که بوسیله آن دو یا چند دولت یا سازمان بین المللی رابطه ای بین خود در قلمرو حقوق بین الملل ایجاد میکنند. و یا در صدد ایجاد آن هستند. در تعریف دیگر گفته می شود معاهده بین المللی به هر اسمی خوانده شود عبارت از قراردادی است

که بین تابعین حقوق بین الملل بمنظور تولید بعضی آثار حقوقی منعقد می شود. دو مفهوم یاد شده از معاهده بین المللی ناظر به معنای عام و وسیع معاهده است. اما معاهده در معنای خاص در قسمی که در کنوانسیون وین ۱۹۶۹ آمده عبارت است از توافق بین دولت ها، به شمول حقوق بین دولتها می باشد که بصورت کتبی منعقد گردیده است، با قطع نظر از اینکه در یک یا چند سند تنظیم شده باشد. در این تعریف معاهده اعم از موافقت نامه است. هر معاهده خود یک توافق نامه هم می باشد اما عکس قضیه صادق نیست.

توافق کشورها تحت هر عنوانی که در سند معاهده ذکر می شود، اعتبار معاهده را دارد. عناوینی که در معاهدات استفاده می شود عبارتند از:

۱) عهدنامه (Treaty):

(سایر معانی : پیمان، پیمان نامه، میثاق، معاهده)

این واژه عبارت از توافقی است که به صورت کتبی میان دولت‌ها منعقد شده و مشمول حقوق بین الملل باشد. اغلب توافقات مهم سیاسی، نظامی و اقتصادی بین کشورها تحت عنوان عهدنامه تنظیم می شود؛

۲) منشور (Charter):

(سایر معانی : سند، تاسیس شرکت)

این واژه غالباً برای اسناد تاسیس سازمانهای بین المللی بکار می رود و معمولاً در آن اهداف، اصول، حدود اختیارات، تشکیلات و نحوه فعالیت سازمانها ذکر می شود. اما شهرت بیشتر منشور ناشی از این است که این عنوان برای سند تاسیس سازمان ملل متحد بکار رفته است؛ به طوری که تقریباً از واژه منشور فقط برای اساسنامه و سند تاسیس سازمان ملل متحد استفاده می شود و سایر کاربردهای خود را از دست داده است. البته در مواردی منشور به سندی که حاوی اصول و موازین مورد نظر چند کشور باشد نیز اطلاق شده است؛ مثل «منشور آتلانتیک» که در سال ۱۹۴۱ بین روزولت (آمریکا) و چرچیل (انگلستان) مورد موافقت قرار گرفت.

۳) کنوانسیون (Convention):

(سایر معانی : مجمع، کنگره، قرارداد)

کنوانسیون که معمولاً در زبان فارسی به آن «مقاوله نامه» می گویند، برای اسناد مهم همه جانبه که در بردارنده قواعد بنیادین بین المللی است بکار می رود، درست همانند معاهده. نکته قابل ذکر این است که کنوانسیون برخلاف معاهده برای توافقات دو یا دولت محدود بکار نمی رود، بلکه توافقاتی را شامل می شود که اکثر کشورها در انعقاد آن مشارکت دارند. از این قبیل است کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا؛ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات؛ کنوانسیون ۱۹۶۱ روابط دیپلماتیک و کنوانسیون ۱۹۶۳ روابط کنسولی.

۴) پیمان (Pact):

این واژه برای اسنادی است که معمولاً کشورها در زمینه حفظ صلح و همکاری های نظامی و دفاعی منعقد می سازند، مثل پیمان صلح پاریس ۱۹۲۸ موسوم به پیمان بریان کلوگ؛

۵) موافقت نامه (Agreement):

این واژه معمولاً برای اسناد دو جانبه کشورها که توسط قوه مجریه در زمینه های مختلف اقتصادی، تجاری، فرهنگی، علمی و ... منعقد می شوند، اطلاق می شود؛ به این گونه اسناد، موافقت نامه های ساده یا اجرایی نیز گفته می شود؛

۶) پروتکل (Protocol):

(سایر معانی: پیش نویس، خلاصه مذاکرات، صورت جلسه کنفرانس)

این واژه در چهار معنی به کار می‌رود:

الف) به سندی که به یک معاهده ضمیمه می‌شود، پروتکل گفته می‌شود که این سند ضمیمه، غالباً برای تکمیل، تفسیر و یا اصلاح یک معاهده به کار برده می‌شود که در هنگام تدوین و یا بعداً ضمیمه معاهدات اصلی می‌شود؛ مثل پروتکل‌های انضمامی عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر در مورد مرزهای ایران و عراق. به همین خاطر اطلاق پروتکل به موافقت‌نامه‌های مستقل، خلاف عرف نام‌گذاری اسناد بین‌المللی است؛

ب) در مواردی منظور از پروتکل، صورت‌جلسه کنفرانسی است که نمایندگان کشورها موافقت خود را با آن اعلام می‌کنند مثل پروتکل ۱۹۲۵ ژنو راجع به منع کاربرد سلاح‌های شیمیایی؛

ج) گاهی به سند امضای یک معاهده: (پروتکل امضاء) گفته می‌شود؛

د) گاهی به سند مبادله یک معاهده: (پروتکل مبادله) گفته می‌شود.

۷) اعلامیه (Statement; Proclamation; Declaration):

به سندی اطلاق می‌شود که معمولاً اصول حقوقی یک یا چند ناحیه کشور در آن منعکس است.

مثل اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸؛

۸) سند (Act):

واژه‌ای است که برای بیان قواعد حقوقی مربوط به یک کنوانسیون بکار می‌رود و بعضاً به اسنادی که ایجاد کننده‌ی یک رژیم خاص می‌باشند نیز اطلاق شده است مثل سند قیمومت شورای جامعه‌ی ملل که در مورد واگذاری اداره و سرپرستی نامیبیا به کشور آفریقای جنوبی صادر شد؛ مانند سند نهایی سومین کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها که در واقع جزء لاینفک کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهاست؛

۹) سند نهایی (Final ACT):

(سایر معانی: قطعنامه)

یک بیانیه رسمی یا خلاصه مذاکرات کنگره یا مجلسی است که در آن معاهداتی که مورد مذاکره قرار گرفته، نام برده شده یا به اختصار توضیح داده شده است. البته امضاء این سند به منزله قبول تعهداتی که در آن آمده نیست، بلکه باید هر معاهده‌ای به‌طور جداگانه امضاء شود؛

مانند: سند نهایی کنفرانس صلح ۱۸۹۹ لاهه؛ یا سند نهایی دور اروگوئه (گات)

۱۰) سند عمومی (General ACT):

(سایر معانی: قرارداد عمومی)

این واژه همانند سند نهایی است منتهی با این تفاوت که در این سند علاوه بر اینکه نام و تعداد معاهدات مورد مذاکره در کنفرانس اشاره می‌شود، خود این سند نیز در پایان به صورت یک معاهده در می‌آید به نحوی که هر یک از معاهدات مذکور در آن، بخشی از آن سند عمومی را تشکیل می‌دهد.

مانند سند عمومی کنفرانس برلن که به مسایل مختلفی چون اصل آزادی کشتیرانی در رودخانه‌های کنگو و نیجر پرداخته است.

مانند: سند عمومی کنفرانس ۱۹۲۸ ژوئن راجع به حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی؛

۱۱) صلح‌نامه یا مصالحه‌نامه (Compromise):

(سایر معانی: حل و فصل کردن اختلاف)

این واژه به اسنادی اطلاق می‌شود که به منظور ارجاع اختلافات به مراجع قضائی و داوری منعقد می‌شود،

مثل مصالحه‌نامه ۱۹۷۶ فرانسه و انگلستان در مورد ارجاع تحدید حدود فلات قاره دریای «ایرآوز» به دیوان داوری؛

مثل صلح‌نامه‌ی کشور سنت‌وینسنت و گرنادینز با گینه در مورد ارجاع اختلاف خود به دادگاه بین‌المللی حقوق دریا.

۱۲) اساسنامه (Association):

(اساسنامه شرکت: Memorandum of Association)

این واژه عموماً برای معرفی سند تأسیس سازمان‌ها و دیوان‌های بین‌المللی به کار می‌رود؛ مثل اساسنامه یونسکو؛ مانند اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری؛ اساسنامه‌ی سازمان بین‌المللی کار؛ اساسنامه‌ی سازمان جهانی تجارت.

۱۳) قرار موقت (Modus Vivendi):

(سایر معانی : توافق موقت تا حل قطعی اختلاف، مصالحه موقت)

به اسنادی که برای مدت زمان کوتاهی و به طور موقت ایجاد تعهد می‌کند، اطلاق می‌شود؛

۱۴) طرح یا برنامه (Plan):

همکاری کشورها در زمینه توسعه اقتصادی یا محیط زیست و ... غالباً در چهارچوب سندی که طرح یا برنامه نامیده می‌شود، صورت می‌گیرد؛ مانند برنامه‌ی سازمان ملل متحد برای توسعه.

در برخی موارد، به تصمیمات برخی ارکان سازمان ملل متحد در مورد اقدامات اجرایی در برخی کشورها نیز اطلاق شده است. مثل برنامه‌ی جهانی نفت در برابر غذا (برای عراق)

۱۵) یادداشت تفاهم (Memorandum of understanding):

(سایر معانی : نامه غیر رسمی)

این نوع سند بیانگر توافق مقامات اجرایی دو کشور در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فنی، علمی و ... است. البته گاهی یادداشت تفاهم حاوی تعهدات نمی‌باشد و فقط متضمن توافق برای ادامه مذاکرات یا انجام مذاکرات در آینده می‌باشد.

۱۶) بیانیه (Joint Statement)

امروزه عناوینی که معمولاً برای این نوع موافقت نامه‌ها به کار می‌رود بدون قید حصر عبارتند از: یادداشت تفاهم، اعلامیه مشترک، بیانیه مشترک، اعلامیه سران، تفاهم سیاسی، تفاهم نامه و صورت مذاکرات.

موافقت نامه‌های نزاکتی یا اخلاقی را معاهدات سیاسی نیز می‌نامند. این نوع موافقت نامه‌ها معمولاً توسط مقامات اجرایی دو یا چند کشور و یا سازمان بین‌المللی منعقد می‌شوند و دارای ماهیت، خصوصیت و آثار غیر حقوقی است و موضوع آنها می‌تواند هر چه باشد. از جمله در مورد بیانیه لوزان که موضوع آن برنامه هسته‌ای ایران است.

این گونه اسناد گاهی متضمن تعهدات سیاسی یا غیر حقوقی است، گاهی صرفاً برنامه ریزی برای مذاکرات آتی است، گاهی نحوه اجرای یک توافق دیگر را مشخص می‌کند و گاهی گام نخستین است برای رسیدن به یک توافق حقوقی جامع.

۱۷) کد (CODE)

یک مجموعه سیستماتیک از قوانین، مقررات، و یا اساسنامه‌ها در یک قلمرو قانونی خاص است.

مانند: قانون مدنی (Civil Code) قانون تجارت (Commercial Code)

مجموعه مقررات سازمان‌های دولت فدرال ایالات متحده آمریکا (Code of Federal Regulations (CFR)

طبقه‌بندی معاهدات

معمولاً دو نوع طبقه‌بندی از معاهدات بین‌المللی به عمل آمده است که عبارتند از: الف) طبقه‌بندی ماهوی؛ ب) طبقه‌بندی شکلی یا صوری.

الف) طبقه‌بندی ماهوی

براساس طبقه‌بندی ماهوی، معاهدات به دو دسته‌ی قانون‌ساز و قراردادی تقسیم می‌شوند.

معاهدات قانون‌ساز، معاهداتی هستند که در حکم قانون بین‌المللی مورد رعایت همه‌ی دولتها می‌باشند. مثل منشور ملل متحد و عهدنامه‌های ۱۹۴۹ ژنو راجع به مخاصمات مسلحانه.

اکثر معاهدات قانون‌ساز، حاوی قواعد و مقررات عرفی می‌باشند، لذا برای کلیه‌ی دولت‌ها اعم از عضو و غیر عضو لازم‌الرعایه می‌باشند. معاهدات قانون‌ساز، در حقیقت ایجاد کننده‌ی قواعد حقوقی نیستند، بلکه اعلام‌کننده‌ی قواعد عرفی و لازم‌الاجرای موجود می‌باشند. معاهدات قراردادی، معاهداتی هستند که طرفین آن بر انجام یا عدم انجام کاری تعهد می‌کنند. آثار حقوقی چنین معاهداتی فقط متوجه دولت‌های عضو این معاهدات می‌باشد و برای دولت‌های ثالث یا غیر عضو هیچ تعهدی ایجاد نمی‌کند.

(ب) طبقه‌بندی شکلی یا صوری

معاهدات از لحاظ شکلی یا صوری به دو دسته‌ی معاهدات باز و معاهدات بسته تقسیم می‌شوند. معاهدات باز، معاهداتی هستند که چندجانبه بوده و تمام کشورها می‌توانند به آن ملحق شوند و منحصر به اعضای تشکیل دهنده نمی‌باشند.

معاهدات بسته، به معاهداتی اطلاق می‌شود که منحصر به اعضای تشکیل دهنده می‌باشند و تعداد اعضای آنها محدود به اعضای اصلی و اولیه می‌باشد.

نمونه‌ها :

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸
۲. کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل کشی ۱۹۴۸
۳. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین ۱۹۵۰
۴. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۳
۵. کنوانسیون بین‌المللی محو همه اشکال تبعیض نژادی ۱۹۶۵
۶. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶
۷. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶
۸. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹
۹. کنوانسیون ریشه کنی کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹
۱۰. منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم ۱۹۸۱
۱۱. کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا خفت بار ۱۹۸۴
۱۲. کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹
۱۳. منشور اجتماعی اروپایی ۱۹۹۰
۱۴. اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۹۹۰
۱۵. قوانین مربوط به حقوق کودکان در سال ۱۹۵۹
۱۶. کنوانسیون حمایت از معلولین در سال ۱۹۷۵
۱۷. منشور اجتماعی اروپایی ۱۹۹۰
۱۸. اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۹۹۰
۱۹. کنوانسیون حذف انواع خشونت علیه زنان ۱۹۹۳
۲۰. بیانیه علیه نژاد پرستی، تبعیض نژادی ۲۰۰۱
۲۱. در رابطه با بیم حمله از بیگانگان و مسائل تحمل ناپذیر ۲۰۰۱
۲۲. قطعنامه ۱۷۳/۴۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۸۸ برای حمایت افراد از هرگونه بازداشت یا زندان
۲۳. بیانیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی نژادی مذهبی و زبانی ۱۹۹۲

۲۴. کنوانسیون حمایت از اقلیت های قومی و فرهنگی ۱۹۹۳

۲۵. پروتکل اختیاری کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۹۹

منابع:

- ۱- موسی زاده، رضا؛ بایسته های حقوق بین الملل عمومی، تهران، میزان، ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۱۳۴.
- ۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۰، چاپ یازدهم، ص ۱۲۶.
- ۳- فلسفی، هدایتا...؛ حقوق بین الملل معاهدات، تهران، نشر نو، ۱۳۷۹، چاپ اول، ص ۷۲۵.
- ۴- ضیائی بیگدلی، محمد رضا؛ حقوق بین الملل عمومی، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۹، چاپ چهاردهم، ص ۱۰۷.
- ۵- سایت www.thelawdictionary.org
- ۶- فرهنگ حقوقی؛ عباس یزدی، انتشارات رهنما، ۱۳۷۸؛ ص ۱۸۰

تهیه: ابوالفضل بادامچی

۱۳۹۴/۰۷/۲۰